



قید و کاربرد آن در گرامر زبان انگلیسی
قیده‌ها درباره دیگر کلمات، معمولاً فعل‌ها، به ما توضیحات بیشتری
میدهند.

مقاله اسم‌های جنس را از اینجا مطالعه کنید.

The bus moved slowly.
(اتوبوس به آرامی حرکت کرد)

The bears ate greedily.
(خرس‌ها حریصانه خوردند)

بعضی اوقات در گرامر زبان انگلیسی قیده‌ها درباره صفت‌ها به
ما توضیحات بیشتری میدهند

You look absolutely fabulous.
(تو واقعاً شگفت‌انگیزی)

قیده‌ها همچنین میتوانند که سایر قیده‌ها را توضیح دهند.



She played the Violin extremely well.
(او بی نهایت خوب ویولون زد)

You're speaking too quickly.
(تو خیلی به سرعت حرف میزنی)

قیدها در گرامر زبان انگلیسی چگونه ایجاد میشوند؟

در بسیاری از موارد یک قید با اضافه کردن *ly* به انتهای صفت، ایجاد میشود.

صفت	قید
<i>cheap</i> (ارزان)	<i>cheaply</i> (به ارزانی)
<i>slow</i> (آرام)	<i>slowly</i> (به آرامی)

Time goes quickly.
(زمان به سرعت میگذرد)



She certainly had an interesting life.

(او یقیناً زندگی جالبی داشت)

در گرامر زبان انگلیسی اگر که یک صفت به *y* ختم شود، برای ساختن قید، *y* را حذف میکنیم و سپس *ily* به انتهای آن اضافه میکنیم.

صفت	قید
<i>terrible</i> (وحشتناک)	(به طرز وحشتناکی) <i>terribly</i>
<i>probable</i> (محتمل)	<i>probably</i> (احتمالاً)

در گرامر زبان انگلیسی اگر که صفت به *ic* ختم شود، با آن *ally* اضافه میکنیم.

صفت	قید
<i>basic</i> (پایه)	<i>basically</i> (پایه ای)
<i>economic</i> (اقتصادی)	(از نظر اقتصادی) <i>economically</i>



نکته به جز *publicly*

در گرامر زبان انگلیسی بعضی قیده‌ها دقیقاً مثل صفت هستند.

صفت	قید
<i>fast</i> (سریع)	<i>fast</i> (به سرعت)
<i>high</i> (بلند)	<i>high</i> (به بلندی)

It's a fast car (این ماشین سریعی است)

He drives very fast (این ماشین به سرعت میرود)

This is a hard job (این کار سختی است)

He works hard (او به سختی کار میکند)

در گرامر زبان انگلیسی *Well* قید است و *good* صفت است.

He's a good student.

(او دانش آموز خوبی است)



He studies well.

(او به خوبی درس میخواند)

نکته: در گرامر زبان انگلیسی اگر که قید را از جمله حذف کنیم آسیبی به معنای جمله نمیرسد و تغییری نمیکند، ولی اگر صفت را حذف کنیم، معنای جمله تغییر میکند.

قیدهای مکان در گرامر زبان انگلیسی

قیدهای زمان در گرامر زبان انگلیسی به ما میگویند که در چه مکانی یک اتفاق می افتد. آن ها معمولاً بعد از فعل اصلی یا مفعول می آیند.

بعد از فعل اصلی

I looked everywhere.

(من همه جا را دیدم)

I'm going home.

(من به خانه میروم)



بعد از مفعول

They built a house nearby.
(آنان نزدیک اینجا خانه ساختند)

She took the child outside.
(او بچه را به بیرون برد)

قیدهای مکان رایج در گرامر زبان انگلیسی

there و *Here*

Come here. (بیا اینجا)

It's in here. (آن اینجا است)

Put it there. (آن را آنجا بگذار)

It's in there. (آن آنجا است)



Here و *there* به همراه حروف اضافه می آیند تا که عبارات قیدی رایج را بسازند.

<i>Down here</i> (این پایین)	<i>Down there</i> (آن پایین)
<i>Over here</i> (اینجا)	<i>Over there</i> (آنجا)
<i>Under here</i> (این زیر)	<i>Under there</i> (آن زیر)
<i>Up here</i> (این بالا)	<i>Up there</i> (آن بالا)

Here و *there* در ابتدای جمله می آیند در مناداها یا وقتی که نیاز به تأکید است. در گرامر زبان انگلیسی آن ها توسط فعل دنبال میشوند، اگر که اسم، فاعل باشد.

Here comes the bus.
(اینم از اتوبوس داره میاد)

یا با ضمیر، اگر که فاعل باشد.

Here it is
(این جاست)



There she goes.
(دارد میرود)

نکته: بیشتر قیده‌های مکان رایج، حرف اضافه هم هستند.

<i>about</i> (نزدیک)	<i>along</i> (همراه با)	<i>behind</i> (پشت)
<i>by</i> (کنار)	<i>down</i> (پائین)	<i>over</i> (روی)
<i>in</i> (داخل)	<i>on</i> (روی)	<i>through</i> (از میان)

در گرامر زبان انگلیسی سایر قیده‌های مکان که به *wards* ختم میشوند، جهت حرکت را نشان میدهند.

(به سمت عقب) <i>backwards</i>	(به سمت) <i>towards</i>	(به سمت شرق) <i>eastwards</i>
(به سمت غرب) <i>westwards</i>	(به سمت جلو) <i>forwards</i>	(به سمت بیرون) <i>outwards</i>
(به سمت خانه) <i>homewards</i>	(به سمت شمال) <i>northwards</i>	(به سمت جنوب) <i>southwards</i>



Cats can't usually walk backwards.

(گربه ها معمولاً نمیتوانند به سمت عقب راه بروند)

She ran towards us.

(او به سمت ما دوید)

نکته: *towards* حرف اضافه است، قید نیست، پس همیشه توسط اسم یا ضمیر دنبال میشود.

He walked towards the car.

(او به سمت ماشینش راه رفت)

She ran towards me.

(او به سمت من دوید)

قیدهای حالت در گرامر زبان انگلیسی

در گرامر زبان انگلیسی قیدهای حالت به ما میگویند که چگونه چیزی انجام شده است. معمولاً بعد از فعل اصلی یا مفعول می آیند.



She swims well.

(او به خوبی شنا میکند)

He runs fast.

(او به سرعت میدود)

He plays guitar beautifully.

(او به زیبایی گیتار مینوازد)

نکته: قید نباید بین فعل و مفعول قرار بگیرد.

نادرست	<i>He ate greedily the chocolate cake.</i>
درست	<i>He ate the chocolate cake greedily.</i>

اگر که قبل از مفعول حرف اضافه ای وجود دارد، ما میتوانیم قید را قبل از همان حرف اضافه قرار دهیم یا بعد از مفعول.

The child ran happily towards her mother.

The child ran towards her mother happily.

(بچه با شادی به سمت مادرش دوید)



گاهی در گرامر زبان انگلیسی، قید حالت قبل از فعل به اضافه مفعول می آید.

He gently woke her mother.
(او به آرامی مادرش را بیدار کرد)

بعضی از نویسندگان در گرامر زبان انگلیسی، قید حالت را در ابتدای جمله قرار میدهند تا توجه ما را جلب کنند.

Slowly she picked up the knife.
(به آرامی چاقو را برداشت)

این قیدها معمولاً بعد از فعل می آیند.

Well, badly, hard, fast

در گرامر زبان انگلیسی جایگاه قید بسیار مهم است، وقتی که بیشتر از یک فعل در جمله وجود دارد، اگر که قید بعد از یک عبارت قرار گیرد، پس کل عبارت را تعریف میکند. به مثال زیر توجه کنید تا تفاوت را در گرامر زبان انگلیسی ببینید.



قیدهای عالی و تفضیلی در گرامر زبان انگلیسی

در گرامر زبان انگلیسی قیدهای تفضیلی و عالی، دقیقاً مثل صفت های عالی و تفضیلی هستند.

قید	قید تفضیلی	قید عالی
<i>hard</i> (سخت)	(سخت تر) <i>harder</i>	(سخت ترین) <i>hardest</i>
<i>late</i> (دیر)	(دیرتر) <i>later</i>	(دیرترین) <i>latest</i>
<i>fast</i> (سریع)	(سریع تر) <i>faster</i>	(سریع ترین) <i>fastest</i>

Jim works harder than his brother.

(جیم از برادرش سخت تر کار میکند)

Everybody ran fast but, John ran the fastest of all

(همه به سرعت دویدند، ولی جان با بیشترین سرعت از همه دوید)



در گرامر زبان انگلیسی در قیدهایی که به *ly* ختم میشوند از *more* و *most* استفاده میکنیم.

قید	قید تفضیلی	قید عالی
(به آرامی) <i>quietly</i>	<i>More</i> (آرام تر) <i>quietly</i>	(آرام ترین) <i>Most quietly</i>
<i>slowly</i> (آرام)	<i>More</i> (آرام تر) <i>slowly</i>	(آرام ترین) <i>Most slowly</i>

The teacher spoke more slowly.

(معلم به آرامی بیشتری حرف زد)

Could you sing more quietly please.

(میتوانی آرام تر بخوانی لطفاً)

بعضی از قیدها، از این قاعده مستثنا هستند.



قید	قید تفضیلی	قید عالی
<i>badly</i> (به بدی)	<i>worse</i> (بدتر)	<i>worst</i> (بدترین)
<i>far</i> (دور)	(دورتر) <i>Further/ farther</i>	(دورترین) <i>Furthest/ farthest</i>
<i>Well</i> (به خوبی)	<i>better</i> (بهتر)	<i>best</i> (بهترین)

The little boy ran further than his brother.

(پسر کوچک دورتر از برادرش دوید)

You're driving worse today than yesterday.

(امروز بدتر از دیروز رانندگی میکنی)

نکته: گاهی اوقات *most* به معنی زیاد است.

We were most grateful for your help.

(ما بسیار از کمک شما سپاسگزاریم)

حتماً در این صفحه نظرات خود را برای ما ارسال کنید.
در دوره راز گرامر کامل به این موضوع پرداخته ایم.

